

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

واقعیت امر و اصالت عملکرد پاکستان در قبال کشورها چگونگی بازی در سرزمین بیگانه و عواقبی که بدنبال دارد اظهارنظرهای غیرمسئولانه و پیامدهای ناگوار آن

ضرورت ایالات متحده بیک تنظیم مجدد با پاکستان
افغانستان و دولت‌های مسلمان کشورهای همجوار
دلسردی و در نتیجه رو آوردن به مذاکره
طلسم سکوت را باید شکست

مسئله مداخله در امور کشورها از دیرباز در حقوق بین‌الملل عمومی مطرح بوده و مقالات بسیار و حتی کتاب‌هایی در باره آن نوشته شده است. علاوه بر آن، در اسناد متعدد بین‌المللی، از جمله عهدنامه‌های مختلف و قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل نیز منعکس گردیده و در آرای دیوان بین‌المللی دادگستری هم مورد بحث و استناد قرار گرفته و در برخی از دروس آکادمی حقوق بین‌المللی لاهه نیز عنوان و بررسی شده است. با اینکه نیشته‌های حقوقی بزبان‌های فرانسوی و انگلیسی در این زمینه غنی و فراوان می‌باشد، می‌توان گفت با وجود آنکه همه مسایل و زوایای موضوع روشن نشده و در بسیاری از زمینه‌های آن، جای بحث باقی بوده و حتی تعریف جامع و مانعی از اصل مداخله در دست نیست. البته یک اصل مسلم در حقوق بین‌المللی به نام "اصل مداخله" وجود دارد، هر چند که حدود و ثغور آن کاملن مشخص نمی‌باشد. نباید فراموش خاطر ما شود که "اصل عدم مداخله" در امور کشورها یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الدول است که بموجب این اصل، کشورها به مفهوم عام کلمه از دخالت در امور یکدیگر منع شده‌اند. رعایت اصل مذکور موجب حفظ حاکمیت و استقلال کشورها و در نتیجه موجودیت صلح پایدار و امنیت بین‌المللی خواهد بود.

در آغاز بحث کنونی تذکر این مسئله لازمی بنظر می‌رسد که چگونگی اوضاع و وضعیت سیاسی - اجتماعی در کشور عزیز ما افغانستان بدون شک، بر وضعیت جیوپولیتیک تمامی منطقه اثرگذار می‌باشد. از جمله عمده‌ترین وقابل توجه‌ترین مسایل، از جمله یکی هم اثرگذاری وضعیت کنونی کشور ما بر سیاست داخلی و مناسباً سبب خارجی پاکستان قابل دقت پنداشته می‌شود. پاکستان دارای سلاح اتمی با ۱۸۰ میلیون جمعیت، یکی از کشورهای کلیدی منطقه محسوب می‌گردد، بویژه با فراخواندن نظامیان امریکایی از سرزمین و اراضی کشور ما، اهمیت پاکستان برای ایالات متحده بیش از پیش متبازر گردیده است. چون پاکستان از مسایل فشاربیشماری بر گروه‌های تروریستی فعال در کشور ما برخوردار می‌باشد. بر این بنیاد، ایالات متحده از طریق پاکستان می‌تواند بر فعالیت‌ها و چگونگی عملکردهای آنان تأثیرگذار باشد. بخاطر باید داشت که کلیه گروه‌های هندی عمده و درشت تروریستی در مناطق قبایلی هم مرز با کشور ما دارای پایگاه‌ها و مراکز آموزشی می‌باشند. ایالات متحده از پاکستان خواست تا عملیات مسلحانه ضد تروریستی را در مناطق قبایلی یاد شده راه اندازی نماید، اما اتخاذ تصمیم پاکستان در مورد یاد شده بعید بنظر می‌رسید. پاکستان در این مورد، صرف به قطع کمک‌ها و معاونت‌های مالی به گروه‌های یاد شده وعده سپرده و همچنان متعهد گردید تا از انجام عملیات

های گروه‌های یادشده در مناطق دیگر پاکستان جلوگیری بعمل آورد.

اما جالب بنظر می‌رسد که در امتداد هفتهٔ پسین، اظهارات غیرمسئولانه، توأم با بی‌احتیاطی و خلاف عُرْف دیپلماتیک یا عمدن تحریک آمیز سیاستمداران پاکستانی و بویژه عمران خان، نخست وزیر آن کشور در قبال وضعیت در کشور عزیزما افغانستان، با واکنش‌هایی مؤاچه گردید. لازمی بنظر می‌رسد تا به سخنان و اظهارنظرهای بی‌دقت عمران خان مکثی نموده و مورد بررسی قرار داده شود. در مراسم گشایش ۱۷-مین نشست وزرای امور خارجهٔ کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اسلامی بتاريخ ۲۸ ماه قوس سال ۱۴۰۰ خورشیدی در اسلام آباد، نخست وزیر پاکستان با اظهارات نا سنجیده‌ای در بارهٔ سنت‌های موجود در کشور عزیزما مبنی بر منع قراردادن زنان و دختران کشور از آموزش و تحصیل، ماهیت واقعی خویش و کینه‌توزی تاریخی زمامداران کشورش در قبال افغانستان را افشأ نمود. این، اصلی‌ترین مسأله نبود که جانب پاکستانی در نظر داشت تا به نماینده‌های ۵۷ کشور شرکت‌کنندهٔ اجلاس انتقال دهد، بلکه نامبرده پا از گلیم فراتر نهاده و متذکر گردید که اگر اقدامات بین‌المللی انجام داده نشود، بحران در افغانستان می‌تواند به بزرگترین بحران ساختهٔ دست بشر در جهان مبدل گردد. قابل‌یاددهانی پنداشته می‌شود که در امتداد تاریخ، فرزندان هیچ کشوری به تناسب شهروندان کشور عزیزما متحمل رنج و عذاب نگردیده‌اند. هر کشور دیگری بعبض افغانستان، با موجودیت وضعیت اینچنینی، اصلن تاب مقاومت نیآورده و از هم فرو می‌ریخت. همچنان نامبرده در مورد موجودیت فساد گسترده در کشورما نیز دُرُفشانی نمود، اما فراموش می‌نماید که با بقدرت رسیدن متحدین و همفکران آنها در کابل، اوضاع در کشور بدتر و ناگوارتر از قبل شده است. رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی کشور، سخنان و اظهارات غیرمسئولانه و دیده‌درایی‌های نامبرده را چنین تفسیر نمودند که خان نامبرده تلاش ورزید تا ممانعت زنان و دختران کشورما از آموزش و فراگیری تحصیلات را بمثابة بخشی از فرهنگ جامعهٔ افغانی پنداشته که جهان آنرا اصلن نمی‌پذیرد.

اظهارات نامبرده، عکس‌العمل‌ها و واکنش‌های تند شهروندان کشورما را بدنبال داشت. در شبکه‌های اجتماعی افغانی تذکر بعمل آمد که زنان و دختران در کشورما از حق تعلیم، آموزش و ادامهٔ تحصیلات عالی برخوردار بوده و حتا قبل از تأسیس و ذایش پاکستان، در پوهنتون‌ها مصروف آموزش و ادامهٔ تحصیل بوده و بمثابة کارمندان دولتی و فعالان جامعهٔ مدنی در کشورکار و فعالیت می‌نمودند. پوهنتون کابل در سال ۱۳۱۱ تأسیس گردید، درحالی‌که پاکستان در سال ۱۳۲۶ از پیکرهند مجزا گردیده و عرض وجود نمود.

برخی از شهروندان کشور، سخنان و اظهارات نخست وزیر پاکستان را "التهابی" و بمثابة تلاش بمنظور ایجاد اختلاف میان شهروندان کشور و توهین به‌همه افغان‌ها محسوب نموده و از نامبرده بگونهٔ جدی تقاضاً بعمل می‌آید تا از مداخله در امور داخلی مربوط به کشورما و ایجاد و خلق دوگانگی و افتراق میان شهروندان کشورما ابا و ورزیده و تا دیرنشد، از تشنج بیشتر اوضاع که بنفع هیچیک از طرف‌ها نمی‌باشد، خودداری بعمل آید. سخنان نخست وزیر پاکستان، نمایندگی از ضف درک و عدم شناخت نامبرده از تاریخ کشورما و بمثابة عدم احترام و تحقیر شهروندان کشورما تلقی می‌گردد. نباید فراموش نمود که مداخله در امور داخلی کشورما از دیرباز در حقوق بین‌الدول بمثابة عدول از اصول پذیرفته شدهٔ مناسبات میان کشورهای دارای حاکمیت ملی محسوب گردیده و نیشته‌ها و مقالات بسیار و حتا کتاب‌هایی در مورد آن تحریر گردیده است. علاوه بر آن، در اسناد متعدد بین‌المللی از جمله در عهدنامه‌های مختلف و قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل نیز منعکس گردیده و در آرای دیوان بین‌المللی دادگستری هم مورد بحث و استناد قرار گرفته و در برخی از دروس اکادمی حقوق بین‌المللی لاهه نیز تحت عناوین مختلف بررسی شده است. با وجود آنکه نیشته‌های حقوقی بزبان‌های فرانسوی و انگلیسی در این زمینه غنی و فراوان می‌باشد، اما باز هم می‌توان مدعی شد که هنوز هم سایر مسایل و زوایای موضوع متذکره میرهن و واضح نگردیده و بسیاری از زمینه‌های آن قابل بحث بوده و حتا تعریف جامعی از اصل مداخله درست نمی‌باشد. در حقوق بین‌الدول، "عدم مداخله"، هرچند که حدود و ثغور آن کاملن مشخص نمی‌باشد، اما بمثابة یک اصل مسلم حقوقی پذیرفته شده است. اصل "عدم مداخله" در امور داخلی کشورها یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الدول می‌باشد که بموجب آن، کشورها بمفهوم عام کلمه از دخالت در امور داخلی یکدیگر منع شده‌اند. رعایت اصل مذکور موجب حفظ حاکمیت ملی و استقلال کشورها و در نتیجه موجودیت صلح پایدار و امنیت بین‌المللی محسوب می‌گردد. اما نخست وزیر پاکستان در مورد وضعیت کنونی کشورما باز هم پارائهٔ مشوره‌هایی با "طالب"‌ها اشاره نموده افزود که در افغانستان

بایست بمنظور ایجاد و پایه گذاری حاکمیت فراگیر و احترام بحقوق زنان و حقوق بشر بمفهوم وسیع کلمه، بیش از پیش سعی بعمل آید. این دایه مهرباتراز مادر، درمورد حقوق شهروندی نیز دُرُفشانی هایی نمود. حامد کرزی، رئیس جمهور پیشین کشور، ضمن اظهاراتی حین انجام مصاحبه با سی. ان. ان. بیان نمود که جامعه بین المللی بایست با "طالب"ها در مورد نجات میلیون ها تن از شهروندان کشور از فقر و گرسنگی، همکاری نماید. واقعیت های انکارناپذیردرمحلات مختلف کشورما حاکی ازاین امر می باشد که "طالب"ها به تصرف قدرت مبادرت ورزیده و اکنون بگونه دوافکتوبرسرنوشت کشور حاکم می باشند. آیا جامعه بین المللی از کسانی که مرتکب جنایت شده و مخالفان و دگراندیشان را در نتیجه محاکمه های صحرائی، محکوم به جزا و از جمله محکوم بمرگ نموده و مسئولیت آنرا نیز برعهده می گیرند، از آنها حمایه نموده و پشتیبانی بعمل خواهد آورد؟

اصل ارتکاب جنایت بمتابه دردناکترین واقعیت حیات شهروندان کشورما محسوب میگردد. بخاطر باید داشت که از جانب همه طرف های درگیر در کشور عزیزما، همه روزه، جنایت های متعددی انجام می گیرد. بایست یادآور گردید که سیاستمداران غیرپښتون کشور، درقبال سخن پراگنی های بی محتوا و فاقد عقلانیت سیاسی عمران خان، بیشتر و تند تراز سایرین واکنش نشان دادند. بسیاری از هموطنان، اظهارات نامبرده را نه تنها بمتابه توهین به شهروندان پښتون کشور، بلکه خوار شمردن سایر شهروندان افغان می پندارند اظهارات نامبرده، چنین تصویری برای مخاطبان خلق می نماید که در اراضی کشور عزیزما افغانستان از موجودیت اقوام، ملیت ها و گروه های غیرپښتون اصلن خبری نمی باشد. بسیاری از شهروندان کشور عزیزما باین باور می باشند که تلاش بمنظور بیسواد نگهداشتن بخشی از شهروندان افغانستان نیز جز برنامه های ستراتیژیک زمامداران پاکستانی بحساب می آید. اما اظهار مخالفت ملت افغان در قبال اظهارات ریاکارانه عمران خان، بمتابه نماد بیداری شهروندان کشورما در قبال برنامه های شیطنانی گردانندگان سیاست اسلام آباد پنداشته می شود. با وجود آنکه "طالب"ها بمتابه ابزار تحقق برنامه های پاکستان شمرده می شوند، اما بهیچوجه به مقاومت و مخالفت آنها درقبال اظهارات نخست وزیر پاکستان نباید تردید نمود.

با اینحال، امیرخان متقی وزیر امور خارجه "طالب"ها، اظهارات عمران خان را توهین آمیز ندانست. نامبرده در جریان مصاحبه مطبوعاتی با روزنامه نگاران و خبرنگاران مدعی شد که اظهار نظرهای عمران خان، بیشتر از همه، عملکردهای حاکمیت پیشین را نشانه می گرفت. با وجود اینهمه، امیرخان متقی شخص در مورد اظهارات رهبر پاکستان متذکر گردید که در نشست ها و گردهمایی های منطقوی و بین المللی، هر مقام شرکت کننده بگونه طبیعی به طرح موضعگیری و موقف کشور مطبوعش می پردازد.

خودی ها چنین می پندارند که عمران خان توسط مشاورانش گمراه گردیده تا باظهار نظرهای اینچنینی مبادرت ورزد. آنها بخاطر می آورند که مدت ها قبل، پرویز مشرف نیز با دیده درایی در مورد ترکیب قومی و نژادی در کشورما، بابر از نظرهای تفرقه افگانه ای مبادرت ورزیده بود که با واقعیت های عینی جامعه افغانی، اصلن سرسازگاری نداشت. موضعگیری نخست وزیر کنونی پاکستان، بخودی خود، تداعی موضعگیری های قبلی همه زمامداران پاکستانی در مورد کشور عزیزما افغانستان پنداشته می شود.

بایست متذکر گردید که در شرایط و وضعیت کنونی، بیش از هر زمان دیگر، خطرات معینی کشور عزیزما را تهدید می نماید. جهانیان چگونگی جریان حوادث در کشورما را، بویژه در کابل، در جایی که حاکمیت سیاسی کشور در آن فروپاشیده و "طالب"ها بر وضعیت کشور حاکم گردیده اند، با دقت تعقیب می نمایند. اما بخاطر باید داشت که در کنار سایر عوامل، شکل گیری و موجودیت بحران در کشور، نقش عامل پاکستان، بیش از سایر موارد متبازمی باشد. پاکستان در گذشته ها نیز به حمایت از "طالب"ها و تقویة مالی و لوژیستیکی آنها متهم گردیده است. با چنین وضعیتی، بسیاری ها چنین می پندارند که اسلام آباد یگانه برنده بازی کنونی آغاز شده در کشورما پنداشته می شود.

اما همه در این امر موافق بنظر می رسند که نباید ناظر بی چون و چرای چگونگی سیر حوادث در کشور بود. شهروندان کشورما در مورد تعیین سرنوشت و در باره عملکردهای سیاسی - اجتماعی مربوط به میهن عزیز و گزینش نوع حاکمیت سیاسی، خود بایست تصمیم اتخاذ نمایند. برای کشور عزیزما و بویژه برای شهروندان آن، پس از این جنگ و انجام خشونت پذیرفتنی نبوده بلکه بیش از هر زمان دیگر بامنیت، آرامش و صلح بمنظور توسعه و انکشاف کشور نیاز دارند.

بسیاری ها چنین می پندارند که در حال حاضر و وضعیت کنونی، افغان ها قادر به تصمیمگیری نمی باشند. در این زمینه، از جمله، پاکستان باز هم گامی فراتر از گلیمش نهاده و سنگ ارانه کمک و معاونت بمنظور جستجوی راه حل قضایای کشورما بر سینه می کوبد.

زاماداران پاکستانی ادعا می ورزند که طرفدار شکل گیری و پایه گذاری حاکمیت فراگیر در افغانستان می باشند. آنها بگونه پیگیری از نماینده های "طالب" ها در پاکستان پذیرایی نموده و در مورد کلی ترین مسایل و موضوعات مربوط به کشورما بحث و تبادل نظر بعمل می آورند. چنین بنظر رسیده و اینگونه تفهیم می گردد که رهبری کنونی در کشور در بسیاری از موارد قادر به تصمیمگیری نبوده و این زمامداران پاکستانی و در رأس عمران خان است که در پی تعیین مسیر و چگونگی جریان امور در کشورما بوده و موظف به تنظیم و رهبری عملکردهای "طالب" ها می باشند.

نباید فراموش نمود که ۲۰ سال پیش، پس از حمله به برج های دوقلو، نظامیان تفنگ بدست امریکایی با بوق و کرنا گویا بمنظور سرنگونی "طالب" ها از زمین و هوأ وارد سرزمین کشور عزیزما گردیده و بر سرنوشت و هست و بود ما حاکم گردیدند. اما بگونه ای در امتداد سال پار، جو بایدن پس از دو دهه حضور پررنگ نظامی، خروج و فراخواندن نظامیان کشورش از افغانستان را اعلام نمود. "طالب" ها بتاريخ ۱۵ ماه اسد سالروان، وارد کابل شده و اشرف غنی هم با استفاده از امکانات موجود، از کشور فرار نمود. ماه سنبله سال روان، آغاز دوباره حاکمیت "طالب" ها بر افغانستان بود. با بقدرت رسیدن "طالب" ها، اقتصاد کشور دچار بحران شد. در وضعیت اینچنینی، در حال حاضر نزدیک به ۲۳ میلیون تن از مجموع ۳۸ میلیون تن از شهروندان کشور با ناامنی حاد غذایی مواجه می باشند.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که در امتداد سالروان، "طالب" ها اعلام نمودند که خواهان حل و فصل صلح آمیز درگیری های موجود میان افغانستان با کشورهای همجوار می باشند. همچنان، در امتداد ماه های پسین پس از درگیری های مرزی با سه کشور هم مرز با افغانستان، "طالب" ها خواستار حل و فصل مسایل موجود، از طرق دیپلوماتیک شدند. از جانب وزارت امور خارجه "طالب" ها اعلام گردید که قرار است درگیری های یادشده میان "طالب" ها و نظامیان پاکستانی در امتداد خط "دیورند"، از طریق گفتگو میان شخصیت های رسمی دو کشور مورد بررسی قرار گرفته و بحل و فصل آن مبادرت ورزیده شود. بر بنیاد اظهارات جانب پاکستانی، "طالب" ها خواهان حل و فصل درگیری های یادشده از طریق "درک متقابل" و "گفتگو" شده و طرفدار حل و فصل مسأله با در نظر داشت منافع مشترک و حسن همجواری میان افغانستان و پاکستان می باشند.

همچنان اعلام گردید که هیأتی از جانب "طالب" ها، با استفاده از طرق دیپلوماتیک با مقامات پاکستانی مصروف انجام مذاکره و مفاهمه در مورد یادشده می باشند.

با وجود آن، وزارت امور خارجه "طالب" ها از درگیری هایی میان نظامیان افغانی و نیروهای مرزی کشور کشور ترکمنستان نیز خبر دادند. اما تذکر بعمل آمد که میان طرف های یادشده اصلن معضل و مشکلی موجود نمی باشد و جانب "طالب" ها خواستار مناسبات سازنده و مثبتی با تمامی کشورها بشمول ترکمنستان می باشند.

یکشنبه ۱۹ ماه دی سال ۱۴۰۰ خورشیدی